

میدون و سوفیا

نجات‌نده لطفا!



پوریایا عالمی

سوفیا... عشقم... رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور محبوب ترکیه گفت: با همکاری برخی کشورها، منطقه را نجات دهند. ما هم موافقم. تنها کسانی که می‌توانند منطقه را نجات بدهند ترکیه و بقیه هستند. البته سؤال این است که از دست چه کسانی؟ می‌دانی سوفیا؟ ما فقط نگران هستیم ترکیه اگر بخواهد منطقه را نجات بدهد، یک موقع حواسش از خود ترکیه پرت نشود و روزنامه‌نگارانش از دست ترکیه نجات پیدا نکنند؟ اتفاقا سوفیا! من یک داداش داشتم که من را اذیت می‌کرد، بعد یک بار به من پیشنهاد داد من با او همکاری کنم تا از دست بابامان نجات پیدا کنیم! من هرچه به داداشم می‌گفتم من می‌خواهم از دست تو نجات پیدا کنم می‌گفت مالیدی. سوفیا، این حرف ترکیه البته مثل آن حکایتی است که طرف به‌زور دست یک بیژن را گرفت و گفت من می‌خواهم نجاتت بدهم و بعد از خیابان برد آن‌ور، بعد بیژنه داد زد: خاک‌تورست! من تازه رسیده بودم آن‌ور و از خیابان نجات پیدا کرده بودم.

همین حوالی

عشق در سبیده دانایی

دو شماره ۱۲۳ و ۱۲۴ ماهنامه نظری-تحلیلی «سبیده دانایی» در یک مجلد منتشر شده است. سومقاله شماره آذر و دی ۱۳۹۷ این مجله به قلم دکتر محمود گلزاری، مدیرمسئول با عنوان «حال خوش خواندن» به پیروزی کتاب بر همه رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی پرداخته است. مبحث روان‌شناسی عشق در بخش روان‌شناسی وجودی بررسی شده و در بخش‌های روان‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی مثبت به تجربه کودکی در فرهنگ‌های گوناگون برمی‌خوریم. روان‌شناسی خانواده، روان‌شناسی هنر، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی سیاسی نیز بخش‌های دیگر این مجله هستند. «سبیده دانایی» در ۲۴۴ صفحه و به قیمت ۱۵ هزار تومان روی دکه روزنامه‌فروشی‌ها حاضر است.



شترق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۷ (۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ = ۲۸ ژانویه ۲۰۱۹ = سال شانزدهم = شماره ۳۲۵۴ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

گانو گومز



LEON

Since 1960

Where quality meets luxury...



لئون

شعبه سام سنتر

فرشته (فیاضی)، مرکز خرید سام سنتر ، طبقه ۸ رزرزو کنیند: ۰۲۲۶۵۲۸۴۱
www.leon1960.com
@/leon.1960



آکادمی

نامه‌هایی برای تمام فصول-۳

آموزش

آموزشی کافی هم فراهم نشد، مفهوم مکتب و سنت در دانشکده‌ها جا نیفتاد، بیمارستان‌های متعدد، حتی در شهرهای دور به صرف وجود متخصصان برای آنکه استاد باشند و دستیاران برای آنکه کار کنند، پیش از آنکه سنت‌های آموزشی جاافتاده‌ای پیدا کنند. دانشگاه شدند. ارتباط و روتیشن بین‌المللی تقریباً به‌طور کامل قطع شد و آموزش پزشکی به رشد و تکاملی ایزوله ادامه داد تا حدی که جدا نمی‌دانیم در راهیم یا در پیراه؟ و اگر این بیراه است با راه چه نسبتی دارد؟ در چنین شرایطی است که تحویل آموزش به بخش خصوصی می‌تواند سلامت را تا مرز فاجعه برسد و مصیبت دیگری بیافریند و آن هم همان مصیبت قدیمی عادت به بحران و فاجعه است. وزارتی که قادر به نظارت کافی بر بیمارستان‌هایی که خود اداره می‌کرد نبود، چگونه می‌تواند بر بیمارستان‌های خصوصی نظارت کند؟ آموزش گذشته، آبی‌تحت‌تأثیر برخی سنت‌های ناپسند بیمارستان‌های آموزشی، امر درمان هم در بیمارستان‌های خصوصی به خطر نخواهد افتاد؟ سنت‌هایی مثل لیزخوردن وظایف از آنتد به دستیار و از دستیار سال‌ بالا به دستیار سال پایین و بعد اتترن و صحنه‌هایی مثل صف‌کشیدن چند بیمار در یک اتاق درمانگاه در کنار هم و وزیت بیماران در حضور یکدیگر؟! رفتارهایی که در طب خصوصی هنوز قبحشان ریخته و اینجا دیگر هرکدام معانی اقتصادی‌ی هم خواهند داشت. آموزش وظیفه ذاتی هر طبییی است؛ پزشکان در اساس کاری جز آموزش ندارند، اما لظفا انتقال آموزش رسمی پزشکی به طب خصوصی را تا تبلور آموزش پزشکی در بخش دولتی، هر چندسال که طول بکشد، به تعویق بیندازید.

نگاه سبز

تراژدی تایتانیک دوباره رخ می‌دهد

دانشمندان جهان ۷۹ سال است که ساعتی موسوم به آخرالزمان را رونمایی کرده‌اند تا به مردم هشدار دهند در نتیجه آزمندی، رقابت‌های هسته‌ای و تشدید مخاطرات اقلیمی، چنددقیقه تا پایان جهان باقی است. چندروز پیش راشل برانسون، مدیر «خبرنامه پژوهشگران هسته‌ای»، در برابر خبرنگاران در واشگتن هشدار داد که شرایط امروز به اندازه خطرناک‌ترین زمان از دوران جنگ سرد که فقط دودقیقه به پایان جهان مانده بود، نگران‌کننده است! فرماندار سابق کالیفرنیا، جری براون، هم در تأیید این هشدار می‌گوید: «ما تقریباً مانند مسافران کشتی تایتانیک هستیم که در حال لذت‌بردن از خوراک و شنیدن موسیقی، کوه یخ را در مقابل خود نمی‌بینند.»

پژوهشگران دو تهدید حیاتی را که بشریت با آنها روبه‌روست، یافته‌اند: سلاح‌های هسته‌ای و تغییرات اقلیمی. دلیل تشدید این دو بحران هم یکی فسخ یک‌جانبه قرارداد هسته‌ای با ایران و اعلام عقب‌نشینی از یک پیمان خلع‌سلاح هسته‌ای با روسیه از جانب ایالات متحده است. همچنین مسئله غامض هسته‌ای با کره شمالی هنوز حل‌نشده باقی مانده است. علاوه‌براین، قدرت‌های هسته‌ای هم‌زمان به‌روزرسانی زرادخانه‌های خود را ادامه داده‌اند که بی‌شکایت به یک مسابقه تسلیحاتی جهانی نیست؛ مسابقه‌ای برای استقبال شتابان‌تر از مرگ و ویرانی و فروپاشی تمام سیاره!

پژوهشگران در مورد تغییرات اقلیمی گفته‌اند که انتشار دی‌اکسیدکربن که به نظر می‌رسید در دهه اخیر تا حدی ثبات پیدا کرده، در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ باز رو به افزایش گذاشته و این شاید مهم‌ترین دستاورد یک انتخاب اشتباه برای کاخ سفید از سوی مردم آمریکا باشد. این در حالی است که بارها دانشمندان هشدار داده‌اند که برای متوقف‌کردن وخیم‌ترین عواقب تغییرات اقلیم، همه کشورهای دنیا می‌بایست انتشار کربن را تا آخر این قرن به صفر برسانند.

در طول دو سال گذشته پژوهشگران ساعت آخرالزمان خود را هر بار برای ۳۰ ثانیه به جلو کشیده‌اند. پیش از آن این ساعت از سال ۲۰۱۵ روی سه‌دقیقه به نیمه‌شب مانده ایستاده بود. آخرین‌بار این ساعت در سال ۱۹۵۳، پس از نخستین تست‌های بمب هیدرژنی روی دودقیقه به ۱۲ مانده ایستاده بود. این ساعت از سال ۱۹۴۷ وجود دارد و در زمان ارائه آن عقربه‌ها هفت دقیقه به ۱۲ را نشان می‌دادند. پس از فروپاشی دیوار برلین، پژوهشگران این ساعت را آشکارا - ۱۷ دقیقه پیش از نیمه‌شب- به عقب کشیدند.

«خبرنامه پژوهشگران هسته‌ای» در سال ۱۹۴۵ توسط دانشمندان آمریکایی پایه‌گذاری شد که در ساخت نخستین بمب اتمی همکاری داشتند. آنها با ساعت آخرالزمان قصد پیش‌بینی آینده را ندارند، بلکه بیشتر روندها و رخدادها را ارزیابی می‌کنند.

خواننده عزیز روزنامه شرق!

اینکه نام ایران هم این‌بار در بالاترین سطح به‌عنوان یکی از کشور‌های مؤثر در تغییر ساعت آخرالزمان شنیده می‌شود، اصلا خشنودکننده نیست؛ هرچند که اهمیت نادیده‌انگاشتن ملاحظات ایرانی را به جهانیان گوشزد می‌کند. کاش همچنان عقلانیت به رهبری جهانی بازمی‌گشت و به‌جای کوئیند بر طبلل رقابت‌های تسلیحاتی و دهن‌کجی تفکر ترامپسیسم به خطرات روزافزون تغییرات اقلیمی، منافع زمین خردمندانه‌تر لحاظ می‌شد. تنها نشانه امیدوارکننده در این میان، شاید تزلزل و سردرگمی بی‌سابقه بین طرفداران خود‌خواه برگزیت در بریتانیا باشد. ما باید به آن اندازه از درک و شعور برسیم تا رقابت‌های قبیله‌ای را در پای منافع کره زمین ذبح کنیم و عملا نشان دهیم که همگی ساکن یک کشتی هستیم؛ آموزه‌ای که حضور ترامپ در کاخ سفید و هم‌فکران تمامیت‌خواهش در برخی از کشورهای اروپایی، روسیه و چین به‌شدت آن را به چالش کشیده است.

پرنده آبی

واکنش ترامپ سبب شد بار دیگر روزنامه‌ها و رسانه‌ها به او اعتراض کنند. اما اخیراً بازفید اعلام کرد ۱۵ درصد از کارمندانش را کنار می‌گذارد تا بتواند به یک رشد پایدار برسد. هافینگتون‌پست هم می‌خواهد ۲۰نفر از روزنامه‌نگاران خلاق خود را اخراج کند. توئییت ترامپ جنبه دیگری هم داشت؛ او در حالی توئییت زد که بسیاری از خبرنگاران اخراج‌شده از طرف چند ترول اینترنتی به‌صورت هماهنگ تهدید به مرگ شده بودند.

واکنش ترامپ سبب شد بار دیگر روزنامه‌ها و رسانه‌ها به او اعتراض کنند.

منظومه خاموش ۱۸

امان از آن زمین

خیمپاره که منفجر شد، سنگ و خاک به سرورومیان ریخت.
فوری هر سه از حال یکدیگر جویا شدیم.
در همین حال از همان سنگر پهلویی صدای رزمنده‌ای بلند شد که با حالتی بین ناله و گریه کمک می‌طلبید.
اهل تهران نبود، چون از حرف‌هایش چیزی متوجه نمی‌شدم.
لهجه داشت. من که امدادگر بودم به خودم آمدم و احساس کردم که باید کاری کنم. به مصداق: اول وجود بعدا سجود! زیر آن آتش شدید، بیرون‌رفتن از سنگر را صلاح ندانستم.
با خودم گفتم: تو نمی‌توانی کاری کنی. صبر کن تا آتش سبک شود.
در همین فکر بودم که جوان بغل‌دستی‌ام که صدای ناله آن رزمنده را شنیده بود بلند شد و سریع از سنگر بیرون برید و خودش را به سنگر او رساند.
مجروح مرتب ناله می‌کرد و او که به بیاری‌اش رفته بود، می‌گفت: «ناراحت نباش الااا پایت را می‌بندم، چیزی نشده».
کمی که گذشت، به سنگر خودمان برگشت و گفت پایش را بستم.
بیابید کمک کنید تا بیاوریمش اینجا، چون سنگرش خراب شده و دیگر به درد نمی‌خورد.

من که سر غیرت آمده بودم، به خودم توپیدم که پس تو اینجا چه غلطی می‌کنی؟
بلند شدم و زیر آتش دونفری مجروح را کشیدیم و تا پای سنگرمان آوردیم.
بلندکردن مجروح کار سختی بود، به‌خصوص که باید او را از روی دیواره سنگر رد می‌کردیم.
چاره‌ای نبود جز اینکه دست و پایش را بکشیم.
آن جوان دلاور از پشت، مجروح را هل می‌داد و من و نفر سوم از توی سنگر دست و پایش را می‌کشیدیم.
بالاخره او را به داخل آوردیم.
من گفتم: «بقیه کارها با من».
مجروح را توی سنگر درازکش کردیم.
پای مجروح کج شده بود. سنگر، تنگ و تاریک و نامن بود و آتش دشمن هنوز برحجم.
حالا من باید در همان حال نلسته و بی‌آنکه بتوانم سرپا بایستم یا در محیطی باز مثل بیرون سنگر، مجروح را پانسمان کنم.
همان‌جا این کار را می‌کردم.
طبیعی بود که کمی دست‌وپایم را کم کنم، اما کم‌کم کار پیش رفت.
باید پایش را بی حرکت می‌کردم، چون شکستگی شدید داشت.
به دو آتل یا تخته چوبی احتیاج داشتم.
یکی از دو جوان



همراه، فرز برید و از سنگر بیرون رفت و - نمی‌دانم از کجا - یک آتل آورد.
با زُست یک پزشک حادثی و آبدیده، یک دانه قرص ناقابل مَسُکن را نمی‌دانم از کجای کوله‌ام بیرون کشیدم و با کمی آب به مجروح خوراندم.
انگار جرثیم زیادتر شده بود.
احساس کردم با دیدن زخم‌های شدید هم می‌توانم بدون دستپاچگی کم‌کم کارم را انجام بدهم.
من در حالت عادی و پشت جبهه با دیدن زخم و خون خالم عوض می‌شود چه رسد به آن شرایط واولیا! امدادگری که در بیمارستان است در حالی به کمک مجروح یا بیمار می‌شابد که جان خودش در خطر نیست و از آن گذشته در محیطی ساکت که از امکانات کافی برخوردار است کار می‌کند و دست‌کم جای خودش تنگ نیست، اما امدادگر عملیاتی جان خودش در خطر است، محیطش- اگر شب باشد- تاریک است و باید با دست‌زدن به بدن مجروح زخم را پیدا کند و گاهی جایش تنگ است و امکاناتش محدود و بالاخره اینکه باید در محیطی پرسروصدا کار کند.
تازه اغلب امدادگرها مثل خودم در پشت جبهه شغل امدادگری نداشته‌اند و بنابراین آن آرامش، مهارت و تجربه کافی را هم ندارند.

خوبی‌اش این بود که مرا پیش از اعزام به مدت ۱۵ روز به اورژانس بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) در خیابان نایبش اعزام کرده بودند و من توی اورژانس زخم‌ها و صحنه‌های دلخراشی دیده بودم که بماند!



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت اخیراً در فراخوانی، خواهان نظردهی جامعه پزشکی در مورد سپردن آموزش پزشکی به بخش خصوصی شده است؛ ازاین‌رو نامه‌ای بر این سری نامه‌ها افزودم. (واقعاً جای آموزش در این نامه‌ها خالی بود). آموزش پزشکی بخشی از جوهره ذاتی اخلاقیات پزشکی است. داستان فورسیسی (بزاری در مامانی) که تنها بعد از مرگ آن متخصص زایمان موفق، در وسایلش کشف شد، مثال تاریخی رفتار غیراخلاقی در این زمینه است. از سوی دیگر در کشور ما در بسیاری از قسمت‌ها بخش خصوصی پیشگام و مدل بوده و قطعا دارای امکاناتی است که می‌تواند باعث تعمیق تجارب دانشجویان و دستیاران شود. اما وقتی صحبت تأیید آموزش پزشکی در طب خصوصی توسط دولت در کشور ما پیش می‌آید باید به نکات دیگری نیز توجه کرد. مهم‌ترین مسئله این است که در سال‌های گذشته دولت در آموزش پزشکی مدل موفق‌ی ارائه نکرده و آموزش در طب خصوصی هم قطعاً از مدل موجود الگوبرداری خواهد کرد؛ مدلی که در آن:

- نسبت دستیار به استاد درست برعکس این نسبت در تمام دنیاست. تنوع و نکتزی در استادان وجود ندارد. استادان محدود بر بخش تنها از یک تخصص بالینی هستند. وقتی برای آموزش پزشکی در ازای ۲۰ عضو هیئت علمی، شامل بالینی، علوم پایه



مهدی حجوانی

ترامپ علیه روزنامه‌نگاران اخراجی

در این مدت که از ریاست‌جمهوری ترامپ گذشته چالش بین او و روزنامه‌نگاران ادامه داشته است. اگر قبل‌تر او بیشتر خبرنگاران سعی‌ان‌ان یا نیویورک‌تایمز را تمسخر می‌کرد، حالا به سراغ خبرنگاران اخراجی در رسانه‌های پربازدید اما کمترسیاسی بازفید و هافینگتون‌پست آمده است. اخیراً تعدادی از روزنامه‌نگاران، حدود هزار نفر، بی‌کار شده‌اند و البته

اخراج‌های دیگری نیز در راه است.
از نظر ترامپ اینجا به دلیل اخبار جعلی و خبرنگاری بد اخراج شده‌اند.

او در توئییت به تیتز روزنامه نیویورک‌پست اشاره کرده بود که این فضا را ماندن فرودآمدن تتر بر سر بازفید و هافینگتون‌پست توصیف کرده بود.
ترامپ پیش‌بینی کرد این اتفاق به شکل غم‌انگیزی قرار است برای رسانه‌های دیگر نیز رخ بدهد و اخراج‌ها به دلیل خبرهای جعلی و روزنامه‌نگاری بد است.
مردم حقیقت را می‌خواهند.